

## A Quantitative Investigation into the Impact of Emotional Intelligence on the Academic Success of the Students in IAU (Roudehen Branch)

Mojtaba Mohammadi<sup>7</sup>  
Pegah Setarehsanj<sup>8</sup>

## بررسی کمی اثر بخشی هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن<sup>۱</sup>

مجتبی محمدی<sup>۲</sup>

پگاه ستاره سنج<sup>۳</sup>

### چکیده

### Abstract

This paper aimed to investigate the qualitative impact of emotional intelligence on the academic success of the students in Islamic Azad University Roudehen Branch. To this end, 408 students were selected using cluster random sampling from four faculties. They were junior and senior undergraduate students, both male and female (M= 137, F= 271), from faculties of Education and Counseling, Persian Literature and Foreign Languages, Social Sciences, and Economics and Accounting. The main instrument used in the study was Cyberia-Shrink EI questionnaire which contained 33 items all of which were based on Likert scales. Along with the questionnaire, there was a section that aimed at collecting demographic information like gender, field of study, and their Grade Point Averages (GPA). Using the Cronbach Coefficient alpha, the reliability of the instrument was calculated 0.76. The results of data analysis indicated that EI could have the predictive value to predict the academic achievement among students in the faculty of languages. Besides, EI failed to have predictive value to predict the academic achievement among students from the faculties of social sciences, economics and accounting, and education. It was interesting enough to conclude that out of five underlying construct of EI questionnaire only motivation had the predictive value to predict the academic achievement of the male students while among female students self-regulation could act as a significant predictor.

**Keywords:** Emotional intelligence, academic achievement, Islamic Azad University, Roudehen branch

هدف این مقاله بررسی اثر بخشی هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن می باشد. برای دستیابی به این مقصود ۴۰۸ دانشجوی سال سوم و چهارم دوره کارشناسی با استفاده از نمونه گیری تصادفی گروهی از چهار دانشکده علوم تربیتی و مشاوره، ادبیات فارسی و زبان های خارجی، علوم اجتماعی، اقتصاد و حسابداری انتخاب شده اند. که تعداد پسران ۱۳۷ نفر و تعداد دختران ۲۷۱ نفر می باشد. ابزار اصلی به کار رفته در این مطالعه پرسش نامه هوش هیجانی "سایبریا - شریک" است که شامل ۳۳ سؤال بوده و همه آن ها بر اساس "معیار لیکرت"<sup>۴</sup> طراحی شده اند. با استفاده از "ضریب آلفای کرونباخ"<sup>۵</sup>، اعتبار این پرسش نامه ۰/۷۶ محاسبه شده است. تجزیه و تحلیل داده ها بیانگر آن است که می توان موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده فارسی و زبان های خارجی را از طریق هوش هیجانی تعیین نمود. به علاوه، هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی، اقتصاد و حسابداری، علوم تربیتی و مشاوره نقش تعیین کننده ندارد. طبق این پرسش نامه از میان ۵ سازه اصلی هوش هیجانی تنها انگیزش، عامل تعیین کننده در موفقیت تحصیلی دانشجویان پسر است در حالی که خود تنظیمی در میان دانشجویان دختر می تواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد.

**کلیدواژه ها:** هوش هیجانی، موفقیت تحصیلی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشجویان، واحد رودهن

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که بودجه ی آن از اعتبارات مالی معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن هزینه شده است.
۲. دانشجوی دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی - مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن (E-mail: m.mohammadi@riau.ac.ir)
۳. کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی - دانشگاه تهران

- 4 . Cyberia-Shrink
- 5 . Likert Scales
- 6 . Cronbach Coefficient Alpha

7. PhD, Islamic Azad University, Roudehen Branch (E-mail: m.mohammadi@riau.ac.ir)

8 . MA, English Language Teaching, University of Tehran

## مقدمه

عوامل متعددی در شکل گیری ساختارهای اصلی

هوش هیجانی مؤثر هستند. "گولمن"<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) ادعا می کند هوش هیجانی دارای ۵ سازه اصلی می باشد که عبارتند از: (۱) شناخت احساسات فردی: مانند خودآگاهی یعنی تشخیص یک احساس هنگام بروز آن؛ (۲) مدیریت هیجانات: یعنی توانایی مدیریت احساسات با روشی مناسب؛ (۳) خودانگیزش: یعنی هدایت هیجان ها به منظور دستیابی به هدف؛ (۴) درک احساسات دیگران: مانند همدلی، آگاهی اجتماعی؛ (۵) مدیریت روابط: یعنی مهارت در مدیریت هیجان ها دیگران. بنابراین، وی توانایی های ناشی از هوش هیجانی را این گونه جمع بندی می کند: خودآگاهی، مدیریت هیجان ها شخصی، آگاهی اجتماعی و مهارت های اجتماعی. "سالووی و میر"<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) توانایی های اصلی هوش هیجانی را این گونه جمع بندی می کنند: شناخت هیجان، به کارگیری هیجان، درک هیجان و مدیریت هیجان. "بار-آن"<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) توانایی های هوش هیجانی را به ۵ سازه اصلی تقسیم می کند: مهارت های بین فردی، مهارت های فردی، سازگاری، مدیریت اضطراب و احساسات کلی.

هوش هیجانی نمایان گر ظرفیت انسان در یادگیری مهارت هایی است که براساس ۵ عامل زیر شکل می گیرند: خودآگاهی، انگیزش، خود تنظیمی، همدلی و مهارت در روابط. هوش هیجانی نشان می دهد که چگونه افراد ظرفیت های بالقوه را به بالفعل تبدیل می کنند.

طبق نظریه "هین"<sup>۶</sup> (۱۹۹۹) مؤلفه های هیجانی به دو بخش تقسیم می گردند: (۱) مؤلفه های فردی (خودآگاهی، خود تنظیمی، انگیزش) (۲) مؤلفه های اجتماعی (همدلی، مهارت های اجتماعی).

خودآگاهی، خود در برگیرنده چهار ویژگی است (۱) آگاهی هیجانی (۲) خود ارزیابی دقیق (۳) اعتماد به نفس (۴) خود تنظیمی. آگاهی هیجانی یعنی شناخت هیجان های فردی و تأثیرات آن. افرادی با این مؤلفه از تمامی احساسات و هیجان ها خود آگاهند و دلیل آن را می دانند،

در نیمه دوم قرن گذشته، بعضی از متخصصین با بررسی بهره هوشی به این نتیجه دست یافتند که میزان بهره هوشی در موفقیت یادگیرندگان از دبستان تا دانشگاه تأثیر دارد. اما هنگامی که متخصصین، معلمین و والدین هوش هیجانی را عامل توانایی افراد در درک مفاهیم و هیجان ها و نیز حل بعضی مشکلات مهم دانستند، این فرضیه تغییر یافت. هوش هیجانی آن طور که "میر و سالووی"<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) آن را تعریف کرده اند عبارت است از: "توانایی درک مفهوم هیجان ها و ارتباط میان آن ها و استدلال و حل مسائل بر اساس این روابط، توان درک هیجان ها، تحلیل احساسات مرتبط با هیجان و درک احساسات هیجانی و مدیریت آن ها."<sup>۱</sup> "کاروسو"<sup>۲</sup> و "سالووی"<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) ۶ اصل مهم را در هوش هیجانی مشخص کرده اند:

۱- هیجان آگاهی است؛ ۲- می توانیم سعی کنیم تا هیجان ها را نادیده بگیریم اما فایده ای ندارد؛ ۳- می توانیم سعی کنیم تا هیجان ها را پنهان کنیم اما آن طور که تصور می کنیم کار آسانی نیست؛ ۴- تصمیمات باید با هیجان گرفته شوند تا مؤثر واقع گردند؛ ۵- هیجان ها از الگوهای منطقی پیروی می کنند؛ ۶- هیجان ها کلی در تمامی مردم وجود دارند، اما هر فردی هیجان خاص خود را دارد.

اصل شماره ۱: هیجان آگاهی است.

اصل شماره ۲: - می توانیم سعی کنیم تا هیجان ها را نادیده بگیریم اما فایده ای ندارد.

اصل شماره ۳: می توانیم سعی کنیم تا هیجان ها را پنهان کنیم اما آن طور که تصور می کنیم کار آسانی نیست.

اصل شماره ۴: تصمیم ها باید با هیجان گرفته شوند تا مؤثر واقع گردند.

اصل شماره ۵: هیجان ها از الگوهای منطقی پیروی می کنند.

اصل شماره ۶: هیجان های کلی در تمامی مردم وجود دارند، اما هر فردی هیجان خاص خود را دارد.

عقاید جدید از طریق منابع مختلف، یافتن راه حل های عملی برای مشکلات، ارائه نظرات و دیدگاه های تازه. انگیزش نیز خود در برگیرنده ۴ ویژگی است که عبارتند از: (۱) تلاش برای رسیدن به موفقیت؛ (۲) داشتن تعهد؛ (۳) پیشقدم بودن؛ (۴) خوش بینی. تلاش برای رسیدن به موفقیت یعنی داشتن پشتکار به منظور دستیابی به هدف. افرادی با این مؤلفه این گونه هستند: در جستجوی اطلاعات می باشند تا مشکلات را از سر راه بردارند و به دنبال بهترین راه هستند و یاد می گیرند چگونه عملکرد خود را ارتقاء بخشند. داشتن تعهد یعنی به اهداف گروهی احترام می گذارند و آن را می پذیرند. افرادی با این مؤلفه دارای چنین ویژگی هایی هستند: تلاش در جهت دستیابی به بعضی هدف ها، پیگیری وظایف محوله، استفاده از ارزش های مهم در تصمیم گیری و گزینش، از هر فرصت به منظور انجام وظایف محوله استفاده می کنند. پیشقدم بودن یعنی آماده عمل قبل از دیگران. این افراد دارای چنین ویژگی های می باشند: همیشه آماده هستند تا از فرصت ها استفاده کنند، و براساس انتظارات گروه اهداف را تعیین می کنند. خوش بینی یعنی تلاش در دستیابی به هدف علی رغم وجود موانع. ویژگی این افراد بدین ترتیب است: آن ها علی رغم وجود موانع در تلاش برای رسیدن به اهداف هستند، با وجود شکست به پیروزی می اندیشند و بالاخره این که با وجود مشکلات شخصی در پی رفع موانع می باشند.

بخش دیگر مؤلفه های هیجانی آن طور که "هین" (۱۹۹۹) بیان می کند، مؤلفه های اجتماعی هستند. که اجزای آن عبارتند از:

همدلی که خود دارای ۵ ویژگی است: (۱) درک دیگران؛ (۲) پرورش دیگران؛ (۳) خدمت گزاری؛ (۴) قدرت نفوذ در دیگران؛ (۵) شناخت احساسات و سلسله مراتب. درک دیگران یعنی فکر کردن به احساسات دیگران. افرادی با این مؤلفه دارای چنین خصوصیتی هستند: در مورد احساسات و هیجان ها دقت دارند و شنونده خوبی

ارتباط میان احساسات و تفکرات خود را درک می کنند، می دانند که احساسات چگونه عملکرد آن ها را تحت الشعاع قرار می دهد و به ارزش ها و اهداف خود کاملاً آگاهند. خودارزیابی دقیق یعنی آگاهی از نقاط ضعف و قدرت خود. افرادی که چنین مؤلفه ای دارند از نقاط ضعف و قوت خود آگاهند، یادگیری و تفکرشان بر اساس تجربه صورت می گیرد، به دنبال یادگیری و رشد فردی هستند، و بالاخره آن که آرزوها و آینده خود را تعیین می کنند. اعتماد به نفس یعنی درک قوی ارزش ها و توانایی های خود. افرادی با چنین مؤلفه ای به توانایی ها و شخصیت خود اعتماد دارند و به جای تردید و فکر کردن به مشکلات، تصمیم گیری می کنند.

خود تنظیمی نیز در برگیرنده ۵ ویژگی است: (۱) مدیریت هیجان ها خود؛ (۲) قابل اعتماد بودن؛ (۳) وظیفه شناسی؛ (۴) سازگاری؛ (۵) نوآوری. مدیریت هیجان ها خود به معنای آگاهی از مضرات هیجان ها و برانگیختگی ناگهانی است. افرادی با این نوع مؤلفه دارای چنین ویژگی هایی هستند: مدیریت احساسات هیجانی؛ مثبت اندیش و آرام در مواجهه با مشکلات؛ قدرت تفکر صحیح و داشتن تمرکز در موقعیت های خطرناک. قابل اعتماد بودن نتیجه درستکاری و امانتداری است. افرادی با این مؤلفه به اخلاقیات پایبند هستند، مورد اعتماد بوده، اشتباهات خود را می پذیرند و با عملکرد نادرست دیگران برخورد می نمایند. وظیفه شناسی یعنی در قبال عملکرد خود مسئول بودن. افرادی با این مؤلفه نسبت به تعهدات و قول های خود پایبند می باشند، برای دستیابی به اهدافشان نسبت به خود احساس مسئولیت دارند، و دقیق و وقت شناس هستند. سازگاری یعنی انعطاف پذیر بودن. افرادی با این مؤلفه می توانند: به سرعت تغییر یابند، نظریات دیگران را می پذیرند و خود را با محیط وفق می دهند، وقتی با مشکل مواجه می شوند ملایم و باگذشت هستند. نوآوری یعنی داشتن عقاید، اطلاعات و روش های جدید. ویژگی های این مؤلفه عبارتند از: یافتن نظرات و

دیگران و درک آن ها روابط خود را توسعه می بخشند و بدین ترتیب اخبار خوب یا بدی را دریافت می کنند. مدیریت اختلافات یعنی مذاکره و تصمیم گیری بر سر اختلاف نظرها. افرادی با این مؤلفه دارای چنین خصوصیتی هستند: قدرت مدیریت افراد بد اخلاق و موقعیت های سخت را دارند و افراد را به مذاکره و گفتگو تشویق می کنند. رهبری یعنی قدرت راهنمایی کردن دیگران. ویژگی های این افراد عبارتند از: ایجاد علاقه برای انجام وظیفه مشترک و راهنمایی دیگران در انجام وظایف و مسئولیت های محوله. داشتن سرعت عمل یعنی ایجاد مدیریت تغییرات. این افراد اغلب تشخیص می دهند که کجا باید تغییری بوجود آید و موانع را از سر راه بر می دارند و می توانند افراد را با توجه به انتظارات تغییر دهند. برقراری ارتباط هدفمند یعنی ایجاد ارتباط برای دستیابی به هدفی خاص. ویژگی های این افراد عبارتند از: یافتن ارتباطات مثبت و سودمند، تلاش در حفظ و ایجاد سازگاری در میان افراد گروه، و ایجاد روابط دوستانه شخصی در محیط کار. مشارکت و همکاری یعنی توانایی کار کردن با دیگران به منظور دستیابی به هدف. ویژگی های این افراد عبارتند از: تمرکز بر وظایف با در نظر گرفتن ارتباطات، مشارکت در اطلاعات و منابع، و ایجاد موقعیت های دوستانه و تشویک مساعی با دیگران. توان انجام کار گروهی یعنی ایجاد مشارکت گروهی برای رسیدن به هدف. این افراد دارای خصوصیات زیر می باشند: ارزش دادن به ویژگی هایی مانند احترام، مفید بودن و همکاری، ایجاد همکاری فعالانه در میان اعضا و حمایت از افراد.

هدف این مقاله با در نظر گرفتن چهارچوب نظریه "هین"، بررسی اثربخشی هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن می باشد. برای دستیابی به چنین هدفی سؤالات زیر مطرح است:

هستند، نظرات دیگران را درک می کنند و نسبت به آن حساس هستند، به افراد براساس نیازها و احساسات شان کمک می کنند. پرورش دیگران یعنی کمک به افراد در جهت پیشرفت آنان. ویژگی این افراد چنین است: به افراد به خاطر موفقیت ها و توانایی هایشان پاداش می دهند، بازخورد مثبتی نسبت به عملکرد افراد نشان می دهند و نیاز آن ها را به رشد درک می کنند و برای بهبود مهارت های شخصی افراد، آنان را راهنمایی می نمایند. خدمت گزاری یعنی پیش بینی و تشخیص نیازهای دیگران. این افراد معمولاً به دنبال یافتن راهی برای ارتقاء رضایت مشتریان و ارائه کمک های مناسب هستند و با درک دیدگاه های مشتریان می توانند برای آن ها مشاوران خوبی باشند. قدرت نفوذ در دیگران یعنی کسب فرصت های جدید به وسیله افراد متعدد. این افراد اغلب نسبت به مردم احترام می گذارند و به گذشته آن ها توجهی ندارند، دیدگاه های متفاوت را درک می کنند و تفاوت های گروهی را می شناسند و محیطی به وجود می آورند که تمامی افراد در آن فرصت رشد داشته باشند. شناخت احساسات و سلسله مراتب یعنی آگاهی از هیجانات و روابط قدرتی. افرادی با چنین مؤلفه ای دارای ویژگی های زیر هستند: به دنبال ارتباطات اجتماعی می باشند، نیروهای دخیل در شکل گیری دیدگاه ها و عملکرد مشتریان را درک می کنند.

مهارت های اجتماعی خود دارای ۸ ویژگی هستند: ۱) تأثیر گذاری؛ ۲) برقراری ارتباط؛ ۳) مدیریت اختلافات؛ ۴) رهبری؛ ۵) سرعت عمل؛ ۶) برقراری ارتباط هدفمند؛ ۷) مشارکت و همکاری؛ ۸) توان انجام کارهای گروهی. تأثیر گذاری یعنی استفاده از روش های مناسب به منظور متقاعد ساختن دیگران. این افراد اغلب برای کسب حمایت و نظر مساعد دیگران و نیز دستیابی به نتایج دلخواه از روش های پیچیده استفاده می کنند. برقراری ارتباط یعنی خوب گوش دادن و ارائه راه حل های مناسب. چنین افرادی اغلب با مشکلات مواجه می شوند و با گوش دادن به

سوم آن که، برای بررسی اثر بخشی هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی از رگرسیون استفاده شده است. برای تعیین موفقیت تحصیلی از طریق هوش هیجانی از الگوهای رگرسیون ساده (یک متغیری) و رگرسیون چند متغیری استفاده شده است.

#### جامعه آماری، نمونه، و روش انتخاب نمونه

۴۰۸ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در این بررسی شرکت کرده‌اند. آن‌ها دانشجویان سال‌های سوم و چهارم مقطع کارشناسی از دانشکده‌های علوم تربیتی و مشاوره، ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، علوم اجتماعی و اقتصاد و حسابداری می‌باشند. این دانشجویان از میان دختران و پسران انتخاب شده‌اند (که تعداد پسران کمتر است). محدوده سنی این دانشجویان بین ۲۰ تا ۳۲ سال است که میانگین سنی آنها ۲۶ سال می‌باشد.

#### ابزار

ابزار به کار رفته در این پژوهش پرسش‌نامه هوش هیجانی "سایبریا - شرینگ" است. این پرسش‌نامه شامل ۳۳ سؤال است که همه آنها بر اساس معیار "لیکرت" طراحی شده و پاسخ‌ها دارای ۴ جواب به ترتیب همیشه، (با امتیاز ۴)، اغلب (با امتیاز ۳)، گاهی (با امتیاز ۲) و هرگز (با امتیاز ۱) هستند.

در ابتدای پرسش‌نامه بخشی نیز وجود دارد که هدف آن جمع‌آوری اطلاعات آماری در ارتباط با جنسیت، رشته تحصیلی و معدل افراد شرکت‌کننده است. ساختار اصلی این پرسش‌نامه ۵ جزء دارد. اجزای هوش هیجانی عبارتند از خودآگاهی، مدیریت هیجان‌های شخصی، شناخت ظرفیت‌های خود، همدلی و مهارت‌های اجتماعی. پایایی نسخه فارسی این پرسش‌نامه با استفاده از "ضریب آلفای کرونباخ" مورد ارزیابی قرار گرفته است. شاخص پایایی این پرسش‌نامه ۰/۷۶ می‌باشد.

۱- آیا هوش هیجانی می‌تواند بر موفقیت تحصیلی افراد تأثیر داشته باشد؟

۲- آیا تفاوت بارزی بین متغیرهای هوش هیجانی دانشجویان دانشکده‌های مختلف و موفقیت تحصیلی آن‌ها وجود دارد؟

۳- آیا تفاوت بارزی میان متغیرهای هوش هیجانی دانشجویان پسر و موفقیت تحصیلی آن‌ها وجود دارد؟

۴- آیا تفاوت بارزی میان متغیرهای هوش هیجانی دانشجویان دختر و موفقیت تحصیلی آن‌ها وجود دارد؟

#### روش

این بررسی براساس روش تحقیق توصیفی و از نوع "عطف به ماسبق"<sup>۱</sup> است. فرهادی (۱۹۹۴) این الگو را "عطف به ماسبق" نام‌گذاری کرده زیرا محققین بعد از آن که موردی اتفاق می‌افتد آن را بررسی می‌کنند، بنابراین کنترل بر شکل‌گیری اتفاقات ندارند. در روش "عطف به ماسبق"، محقق ارتباط میان متغیرها را در نظر می‌گیرد. در این روش محقق دلایل را براساس تأثیر آن‌ها شناسایی می‌کند، و در نتیجه در روش "عطف به ماسبق"، محقق با مشاهده اتفاقات به دلایل وقوع آنها پی می‌برد و دخالتی در روند اتفاقات ندارد. این روش علت - معلولی نیز نامیده می‌شود. ویژگی‌های این روش به شرح ذیل است: این یک روش تحقیق توصیفی است، که نه تنها در برگیرنده دو یا چند گروه با یک متغیر مستقل است بلکه به مقایسه آن‌ها نیز می‌پردازد.

اولاً، اعتبار و پس از آن تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در پرسش‌نامه هوش هیجانی "سایبریا - شرینگ" تقریبی است. اعتبار آن ۰/۷۶ بوده و هیچ سؤالی در پرسش‌نامه نادیده گرفته نشده است زیرا تمامی سؤالات قابل قبول بوده‌اند.

دوم آن که، دو متغیر موفقیت تحصیلی و هوش هیجانی با استفاده از آمارهای توصیفی مرتبط مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

شده است. به علاوه، محقق تلاش کرده است تا شرکت کنندگان را تشویق نماید با درج شماره دانشجویی خود بر روی پرسش نامه ها به سوالات با دقت بیشتری پاسخ دهند و از این طریق در آن ها ایجاد انگیزه کنند و این فرصت را به آن ها بدهند که از شاخص هوش عاطفی خود آگاهی یابند.

سوم، پرسش نامه هوش هیجانی "سایبریا - شرینک" برای ۴۰۸ دانشجوی چهار دانشکده اصلی به کار رفت که باید در عرض ۲۰ دقیقه به این سوالات پاسخ می دادند.

#### یافته ها

بر اساس بررسی های توصیفی اولیه، فرضیه های مورد نظر یکی یکی تجزیه و تحلیل می شوند.

مراحل این تحقیق بدین شرح می باشد: اول، همان طور که قبلا به آن اشاره شد، شرکت کنندگان در این پژوهش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن می باشند. این دانشجویان در سال های سوم و چهارم مقطع کارشناسی تحصیل می کنند و سن آنها بین ۲۰ تا ۳۲ سال است. این دانشجویان با استفاده از نمونه گیری تصادفی گروهی انتخاب شده اند.

دوم، محقق در این بررسی به منظور تشویق شرکت کنندگان در پاسخ گویی به پرسش نامه، در مورد هوش هیجانی و هدف این تحقیق اطلاعات کافی به آن ها ارائه داده اند. سپس در مورد بخش اول پرسش نامه که هدف آن جمع آوری آمارهای جنسیتی، رشته تحصیلی و معدل تحصیلی شرکت کنندگان می باشد، توضیحاتی ارائه

جدول ۱: رگرسیون ساده تأثیر هوش هیجانی بر دانشجویان دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجه

نمونه	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۳۰/۸۷	۳۰/۸۷	۱		
مازاد	۵۹۰/۷۷	۲/۵۷	۲۳۰	۱۲/۰۲	۰/۰۰۱

همان طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده ارتباط معنادار بوده و انحراف معیار کمتر از ۰/۰۵ می باشد. می توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجه تأثیر دارد. ضریب رگرسیون در جدول زیر نشان داده شده است.

همان طور که در جدول شماره ۱ نشان داده شده ارتباط معنادار بوده و انحراف معیار کمتر از ۰/۰۵ می باشد. می توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجه تأثیر دارد. ضریب رگرسیون در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۲: ضریب رگرسیون تأثیر هوش هیجانی بر دانشجویان دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجه

نمونه	متغیر مؤثر	B	ضریب بتا	t	انحراف معیار
موفقیت تحصیلی	هوش هیجانی	۰/۰۴	۲۲/۰	۳/۴۷	۰/۰۰۱

طبق اطلاعات جدول ۲ به خصوص بر اساس ضریب رگرسیون می توان نتیجه گرفت که ارتباط مثبت و معناداری بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجه

طبق اطلاعات جدول ۲ به خصوص بر اساس ضریب رگرسیون می توان نتیجه گرفت که ارتباط مثبت و معناداری بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجه

وجود دارد. به این ترتیب، هرچه هوش هیجانی این دانشجویان بیشتر باشد، موفقیت تحصیلی آن‌ها بیشتر خواهد بود و هرچه هوش هیجانی آن‌ها کمتر باشد از لحاظ موفقیت تحصیلی در سطح پایین تری قرار خواهند داشت.

جدول ۳: رگرسیون ساده تأثیر هوش هیجانی در دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۷/۰۶	۷/۰۶	۱	۳/۱۶	۰/۰۸
مازاد	۱۰۴/۹۶	۲/۲۳	۴۷		

جدول ۳ نشان می‌دهد که ارتباط معناداری وجود ندارد و انحراف معیار بیش از ۰/۰۵ است. یعنی با استفاده از هوش هیجانی نمی‌توان موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی را پیش‌بینی نمود.

جدول ۴: رگرسیون ساده بررسی تأثیر هوش هیجانی در دانشجویان دانشکده اقتصاد و حسابداری

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۲/۷۵	۲/۷۵	۱	۱/۱۲	۰/۳
مازاد	۷۱/۲۳	۲/۴۶	۲۹		

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ارتباط معناداری وجود ندارد و انحراف معیار بیشتر از ۰/۰۵ است. یعنی با استفاده از هوش هیجانی نمی‌توان موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده اقتصاد و حسابداری را پیش‌بینی نمود.

جدول شماره ۵: رگرسیون ساده بررسی هوش هیجانی در دانشکده علوم تربیتی و مشاوره

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۰/۰۸	۰/۰۸	۱	۰/۰۴	۰/۸۵
مازاد	۲۰۱/۱۶	۲/۱۴	۹۴		

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که ارتباط معناداری وجود ندارد و انحراف معیار بیش از ۰/۰۵ است. یعنی با استفاده از هوش هیجانی نمی‌توان موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم تربیتی و مشاوره را پیش‌بینی نمود.

جدول ۶: رگرسیون ساده بررسی هوش هیجانی در تمامی دانشکده‌ها

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۱۵/۲۵	۱۵/۲۵	۱	۶/۰۰	۰/۰۱۵
مازاد	۱۰۳۱/۹۹	۲/۵۴	۴۰۶		

جدول شماره ۶ نشان می دهد که هوش هیجانی در پیش بینی موفقیت تحصیلی دانشجویان تمامی دانشکده‌ها نقش دارد. نتایج نشان می دهند که فراوانی موجب گردیده انحراف معیار کمتر از ۰/۰۵ باشد. و این

به آن معنا است که هوش هیجانی می تواند در موفقیت تحصیلی دانشجویان این چهار دانشکده مؤثر باشد.

جدول ۷: ضریب رگرسیون تأثیر هوش هیجانی در دانشجویان همه ی دانشکده ها

الگو	متغیر مؤثر	B	ضریب بتا	t	انحراف معیار
موفقیت تحصیلی	هوش هیجانی	۰/۰۲	۰/۱۲	۲/۴۵	۰/۰۱

جدول ۷ نشان می دهد که هوش هیجانی به طور معناداری ( $p < 0.05$ ) در پیش بینی متغیر وابسته یا موفقیت تحصیلی در میان تمامی دانشجویان مؤثر است.

جدول ۸: رگرسیون ساده اثر بخشی هوش هیجانی در میان دانشجویان پسر تمامی دانشکده‌ها

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۱۸/۰۲	۱۸/۰۲	۱	۷/۰۶	۰/۰۰۹
مازاد	۳۴۴/۴	۲/۵۵	۱۳۵		

نتایج جدول شماره ۸ نشان می دهد از آنجا که فراوانی به طور معناداری موجب گردیده که انحراف معیار کمتر از ۰/۰۵ باشد، می توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان پسر تمامی دانشکده‌ها نقش دارد. ضریب رگرسیون در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۹: ضریب رگرسیون هوش هیجانی در میان دانشجویان پسر تمامی دانشکده‌ها

الگو	متغیر مؤثر	B	ضریب بتا	t	انحراف معیار
موفقیت تحصیلی	هوش هیجانی	۰/۰۴	۰/۲۲	۲/۶۶	۰/۰۰۹



طبق جدول شماره ۹ و براساس ضریب رگرسیون مشخص می گردد که میان هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی دانشجویان پسر تمامی دانشکده‌ها ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. بدین ترتیب، هرچه هوش هیجانی دانشجویان پسر بیشتر باشد، موفقیت تحصیلی آن‌ها بیشتر خواهد بود و هر چه هوش هیجانی آن‌ها کمتر باشد از لحاظ موفقیت تحصیلی در سطح پایین تری قرار خواهند داشت.

جدول ۱۰: رگرسیون ساده (دو متغیره) بررسی اثربخشی هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دختر تمامی

دانشکده‌ها

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۴/۵۱	۴/۵۱	۱	۱/۹۰	۰/۱۷
مازاد	۶۳۸/۶۶	۲/۳۷	۲۶۹		

نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می دهد از آن جا که فراوانی موجب کاهش انحراف معیار در حد معنادار ۰/۰۵ نشده است، می توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی نمی تواند در پیش بینی موفقیت تحصیلی دانشجویان دختر دانشکده‌ها نقش داشته باشد.

تفاوت اثربخشی هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دختران و پسران نیز مورد تحلیل قرار گرفته است. برای

جدول ۱۱: رگرسیون چند متغیره بررسی تأثیر هوش هیجانی در دانشجویان پسر تمامی دانشکده‌ها

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۳۲/۲	۶/۴۴	۵	۲/۵۵	۰/۰۳
مازاد	۳۳۰/۲۲	۲/۵۲	۱۳۱		

می توان به بررسی اثربخشی هر یک از اجزای هوش هیجانی بر متغیر وابسته پرداخت.

جدول شماره ۱۱ بیانگر آن است که ترکیب این متغیرها به طور معناداری ( $p < 0.05$ ) بر متغیر وابسته در میان دانشجویان پسر تأثیر می گذارد. بدین ترتیب

جدول ۱۲: ضریب رگرسیون تأثیر هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان پسر تمامی دانشکده‌ها

الگو	متغیرهای مؤثر	B	ضریب بتا	T	انحراف معیار
	خود آگاهی	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۲۳	۰/۸۱
	خود تنظیمی	۰/۰۷	۰/۰۹	۱/۱۱	۰/۲۷
	موفقیت تحصیلی انگیزش	۰/۱۷	۰/۲۹	۲/۷۸	۰/۰۰۶
	همدلی	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۳۸	۰/۷
	مهارت های اجتماعی	-۰/۰۷	-۰/۰۹	-۰/۹۸	۰/۳۳

طبق جدول شماره ۱۲ فقط متغیر انگیزش به طور معناداری در این معادله تأثیر دارد. اما تمامی متغیرها برای دستیابی به این نتیجه باید در نظر گرفته شوند زیرا

جدول ۱۳: رگرسیون چند متغیره به بررسی میزان تأثیر هوش هیجانی در میان دانشجویان دختر تمامی دانشکده‌ها

الگو	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۳۰/۴۴	۶/۰۹	۵	۲/۶۳	۰/۰۲
مازاد	۶۱۲/۷۳	۲/۳۱	۱۳۱		

جدول شماره ۱۳ نشان می دهد که ترکیب این متغیرها به طور معناداری ( $p < 0.05$ ) بر متغیر وابسته در میان دانشجویان دختر تأثیر می گذارد. به این ترتیب

جدول ۱۴: ضریب رگرسیون تأثیر هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دختر تمامی دانشکده‌ها

الگو	متغیرهای مؤثر	B	ضریب بتا	T	انحراف معیار
	خود آگاهی	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۴۲	۰/۶۸
	خود تنظیمی	۰/۱۵	۰/۲۳	۳/۵۲	۰/۰۰۰
	موفقیت تحصیلی انگیزش	-۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۲	۰/۸۴
	همدلی	-۰/۰۳	-۰/۰۹	-۰/۶۲	۰/۵۴
	مهارت های اجتماعی	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	-۰/۰۲	۰/۹۹

طبق جدول شماره ۱۴ فقط متغیر خود تنظیمی به طور معناداری در این معادله تأثیر دارد و دیگر متغیرها تأثیر چندانی ندارند. با این حال باید اشاره کرد که تمامی متغیرها برای دستیابی به این نتیجه باید در نظر گرفته شوند زیرا فراوانی تجمیعی با در نظر گرفتن تمامی این متغیرها در معادله محاسبه شده است.

جدول ۱۵: رگرسیون چند متغیره بررسی میزان تأثیر هوش هیجانی در میان تمامی دانشجویان دانشکده‌ها

الگو	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	فراوانی	انحراف معیار
رگرسیون	۳۳/۵	۶/۷	۵	۲/۶۷	۰/۰۲
مازاد	۱۰۱۳/۷۴	۲/۵۲	۴۰۲		

جدول شماره ۱۵ نشان می‌دهد که ترکیب این متغیرها به طور معناداری ( $p < 0.05$ ) بر متغیر وابسته در میان تمامی دانشجویان تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب می‌توان به بررسی اثر بخشی هر یک از اجزای هوش هیجانی در پیش بینی مقدار متغیر وابسته پرداخت.

جدول ۱۶: ضریب رگرسیون میزان تأثیر هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی در میان تمامی دانشجویان دانشکده‌ها

الگو	متغیرهای مؤثر	B	ضریب بتا	T	انحراف معیار
خود آگاهی	-۰/۰۲	-۰/۰۵	-۰/۷۵	۰/۴۵	
خود تنظیمی	۰/۱	۰/۱۴	۲/۶۶	۰/۰۰۸	
موفقیت تحصیلی انگیزش	۰/۰۶	۰/۱۱	۱/۸۲	۰/۰۷	
همدلی	-۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۷۲	۰/۴۷	
مهارت های اجتماعی	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۴	-۰/۰۷	۰/۹۴	

#### بحث و نتیجه گیری

محققان با تجزیه و تحلیل آماری این داده‌ها به نتایج روشنی دست یافته‌اند. با مروری سریع بر تمامی نتایج می‌توان دریافت که هوش هیجانی بر موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده زبان تأثیر دارد. اما هوش هیجانی در موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی، اقتصاد و حسابداری و علوم تربیتی تأثیری ندارد. نتایج این بررسی نمایانگر آن است که از میان ۵ سازه اصلی پرسش نامه هوش هیجانی فقط متغیر

طبق جدول شماره ۱۶ فقط متغیر خود تنظیمی به طور معناداری در این معادله تأثیر دارد و دیگر متغیرها تأثیر چندانی ندارند. با این حال، باید اشاره کرد که تمامی متغیرها برای دستیابی به این نتیجه باید در نظر گرفته شوند زیرا فراوانی تجمیعی با در نظر گرفتن تمامی این متغیرها در معادله محاسبه شده است.

(۱۳۸۶) که بیان کرده اند میان هوش هیجانی و رفتارهای مدرسین ارتباط وجود دارد، سازگار است. این یافته ها خلاف نتایج بدست آمده از فرضیات ۳، ۴ و ۵ است که بیان می کند ارتباطی میان هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی وجود ندارد. با توجه به تفاوت جنسیتی می توان بیان نمود که هوش هیجانی بیشتر در موفقیت تحصیلی پسران عاملی تعیین کننده و معنادار است.

یافته های این بررسی می تواند جنبه های پنهان هوش هیجانی را در محیط های آموزشی آشکار نماید. نتایج حاصل از این بررسی نه تنها برای مدرسین و دانشجویان بلکه برای برنامه ریزان آموزشی، مدیران دانشگاه ها و حتی مؤسسه های تحصیلات تکمیلی بخش خصوصی نیز می تواند مفید واقع شود. پیشنهادهای زیر که از نتایج پژوهش حاضر است که می تواند برای مدرسین، برنامه ریزان آموزشی، و دانشجویان راهگشا باشد:

- ۱- مدرسین می توانند به راحتی اهداف آموزشی خود را بر پایه محکمی بنا کنند.
- ۲- برنامه ریزان آموزشی می توانند از شاخص هوش هیجانی برای تعیین موفقیت تحصیلی دانشجویان زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی استفاده نمایند.
- ۳- دانشجویان پسر رشته زبان انگلیسی در تمامی رشته های مرتبط می توانند با استفاده از متغیر انگیزش موفقیت تحصیلی خود را افزایش دهند.
- ۴- افزایش خود تنظیمی در میان دانشجویان دختر و پسر موجب موفقیت های بیشتر در دانشگاه می گردد.
- ۵- مدرسین می توانند طی سال تحصیلی برنامه کاملی را طراحی نمایند تا دانشجویان احساس آرامش و راحتی بیشتری در کلاس داشته باشند.
- ۶- مدرسین به این واقعیت پی خواهند برد که پسران و دختران در عملکرد کلاسی با یک دیگر یکسان نیستند.
- ۷- مدرسین پی خواهند برد که دانشجویان دانشکده های مختلف رفتارهای متفاوتی دارند.

انگیزش می تواند بر موفقیت تحصیلی دانشجویان پسر تأثیر مثبت بگذارد، در حالی که در میان دانشجویان دختر متغیر خود تنظیمی عامل تعیین کننده است. با این دیدگاه و با در نظر گرفتن تمامی دانشجویان، خود تنظیمی تنها متغیر معنادار در موفقیت تحصیلی می باشد.

این نتایج می تواند برگرفته از این واقعیت باشد که دانشجویانی که هوش هیجانی بالایی دارند قادر هستند احساسات خود را مدیریت کرده و تأثیرات منفی آنها را حذف کنند و موفقیت تحصیلی خود را بالا ببرند در حالی که دانشجویان با هوش هیجانی پائین قادر به چنین کاری نیستند.

همان طور که در فرضیه های ۱ و ۲ پیش بینی شده بود، تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که هوش هیجانی می تواند نقش تعیین کننده ای در موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن داشته باشد. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش هایی که توسط "پارکیت" و همکاران (۲۰۰۲، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳) انجام شده است و ارتباط میان هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی را بررسی کرده اند، هم خوانی دارد. هم چنین، "آیسامرا"<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) گزارش داده بود که میان هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

همان طور که در فرضیه های ۱ و ۲ پیش بینی شده بود، این نتایج با یافته های مطالعه ی "آرمو و تِلا"<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۵) که نشان دادند میان هوش هیجانی، مشارکت والدین و موفقیت تحصیلی ارتباط معناداری وجود دارد، سازگار است.

این یافته ها هم چنین با یافته های "بارکارد"<sup>۱۱</sup> که به بررسی ارتباط هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی پرداخته در یک راستا قرار دارند.

همان طور که در فرضیه های ۱ و ۲ پیش بینی شده بود، نتایج این بررسی با یافته های "رجایی" و دیگران

Abisamra, N. S. (2000). *The relationship between emotional intelligence and academic achievement in eleventh graders*, July 14, 2009. Retrieved from <http://www.nadasisland.com/research-intell2.html>.

Allen, J., & Cohen, J. (2006). *Emotional intelligence in classrooms and in schools: What we see in the educational setting*. In K. R. Murphy (Ed.), *a critique of emotional intelligence: What are the problems and how can they be fixed?* (pp. 126-136). London: Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publishers.

Barchard, K.A. (2003). *Does emotional intelligence assist in the prediction of academic success?* Educational and Psychological Measurement, 63(5), 840-858.

Bar-On, R. (1996). *Emotional Quotient Inventory: A measure of emotional intelligence*. Technical Manual. Toronto: Multi-Health Systems.

Bowkett, S. (2007). *Emotional intelligence*. London: Continuum.

Caruso, D. R., & Salovey, P. (2004). *The emotionally intelligent manager: How to develop and use the four key emotional skills of leadership*. London: Jossey-Bass, John Wiley & Sons.

Chapman, A. (2006). *Emotional intelligence theory*. April 2008, Retrieved from <http://www.busineeballs.com/eq.html>.

Cherniss, C. (2000). *Emotional intelligence: What it is and why it matters*. Paper presented at the Annual Meeting of the Society for Industrial and Organizational Psychology, New Orleans: LA.

Cherniss, C., & Adler, M. (2000). *Promoting emotional intelligence in Organizations: Make training in emotional intelligence effective*. Alexandria: VA.

Cherniss, C., & Goleman, D. (2001). *The emotionally intelligent workplace: How to select for, measure, and improve emotional intelligence in individuals, groups, and organizations*. San Francisco: Jossey-Bass.

۸- مدرسین با پی بردن به احساسات دانشجویان می توانند از سوء تفاهم ها جلوگیری کرده و نیز دانشجویان را به بهترین نحو راهنمایی کنند که در زندگی شخصی خودشان نیز مفید بوده و کاربرد خواهد داشت.

۹- دانشجویان نیز وقتی متوجه شوند که احساسات شان برای استاد اهمیت دارد، احساس بهتری خواهند داشت.

۱۰- اگر دانشجویان در کلاس راحت باشند در تمامی فعالیت های کلاسی بهتر و بیشتر شرکت خواهند کرد که خود این امر برای ارتقای سطح موفقیت تحصیلی شان مفید خواهد بود.

۱۱- اگر دانشجویان احساس خوبی داشته باشند می توانند بعضی از جنبه های زندگی خود مانند تصمیم گیری، عزت نفس و غیره را بهبود بخشند.

#### یادداشت ها

1. Mayer & Salovey
2. Caruso
3. Salovey
4. Goleman
5. Bar-On
6. Hein
7. ex-post -facto
8. Parker et al.
9. Abisamra
10. Aremu & Tella
11. Barchard

#### منابع

رجایی، ع؛ نجابت، ح؛ و هاشمیان، ع (۱۳۸۶).  
رابطه ی بین هوش هیجانی با سلامت روان در  
معلمان.

<http://www.iautj.ac.ir/Asatid2/DrRajArticles/Pdfs/08.pdf>

- and myth*. London: Bradford book, MIT press.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1995). *Emotional intelligence and the construction and regulation of feelings*. Applied and Preventive Psychology, 4, 197-208.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). "What is emotional intelligence?" In P. Salovey and D. Sluyter (Eds.), *Emotional development and emotional intelligence: Implications for educators* (pp. 3-31). New York: Basic Books.
- Mayer, J. D., Caruso, D., & Salovey, P. (1999). *Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence*, Nov. 2007. Retrieved from [http://www.unh.edu/emotional\\_intelligence/index.html](http://www.unh.edu/emotional_intelligence/index.html).
- Mayer, J. D., Di Paolo, M. T., & Salovey, P. (1990). *Perceiving affective content in ambiguous visual stimuli: A component of emotional intelligence*. Journal of Personality Assessment, 54, 772-781.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2000). *Models of emotional intelligence*. In R. J. Sternberg (Ed.), *Handbook of intelligence*. Cambridge, England: Cambridge University Press. Retrieved from [http://www.unh.edu/emotional\\_intelligence/index.html](http://www.unh.edu/emotional_intelligence/index.html).
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2004). *Emotional intelligence: Theory, findings, and implications*. Psychological Inquiry, 15(3), 197-215.
- Morgan (2003). *Managing yourself: Coach yourself to opinion emotional intelligence*. London: Pearson Education.
- Mortiboys, P. (2005). *Teaching with emotional intelligence*. London: Routledge.
- Naglieri, J. A., Bornstein, B. T. (2003). *Intelligence and achievement: Just how correlated are they?* Journal of Psychoeducational Assessment, 21(3), 244-260.
- Nailon, P. (2005). *Emotional intelligence: The key to excellence*. Paper presented at ABA YLD Fall Conference. Louisville, KY.
- Nazem, F. (2008). *Emotional intelligence of the managers in Islamic Azad University*. The Journal of Modern Thoughts in Education, 3(2), 11-21.
- Cianciolo, A. T., & Sternberg, R. J. (2004). *A brief history of intelligence*. Malden, MA: Blackwell.
- Damasio, A. (1994). *Descartes' error: Emotion, reason, and the human, brain*. New York: Grosset/Putnam.
- Dunn, S. G., (n. d). *Emotional intelligence vs. cognitive intelligence*, February 2008. Retrieved from [www.teach-nology.com/tutorials/teaching/iq/](http://www.teach-nology.com/tutorials/teaching/iq/).
- Etebarian, A., & Omidpanah, A. (2008). *The relationship between emotional intelligence and conflict management styles*. Andisheh va Raftar, 2(8), 55-66.
- Farhadi, H. (1994). *Research methods in applied linguistics*. Qom: Payam-e- Nour University.
- Grayson, R. (2002). *Emotional intelligence: Understanding, applying, and measuring*, March 2007. Retrieved from <http://www.visionrealization.com>.
- Gardner, H. (1983). *Frames of mind: The theory of multiple intelligences*. New York: Basic Books.
- Gardner, H. (1999). *Intelligence reframed: Multiple intelligences for the 21<sup>st</sup> century*. New York: Basic Books, Inc.
- Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ*. New York: Bantam Books.
- Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
- Hein, S. (1999). *Emotional intelligence & emotional competence*, February 2007. Retrieved from <http://webhome.idirect.com/~kehamilt/ipsyeq.html>.
- Hein, S. (2005). *An introduction to emotional intelligence*, January 2008. Retrieved from <http://eqi.org/history.html>.
- Higgs, M. (2001). *Is there a relationship between the Myers-Briggs type indicator and emotional intelligence?* Journal of Managerial Psychology, 16(7), 509-53.
- Johnson, K. & Johnson, H. (1999). *Encyclopedic Dictionary of Applied Linguistics*. UK: Blackwell Publishers.
- Matthews, G., Zeidner, M., & Roberts, R. D. (2002). *Emotional intelligence: Science*

- Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). *Emotional intelligence. Imagination, Cognition, Personality*, 9, 185- 211.
- Salovey, P., & Sluyter, D. J. (1997). *Emotional development and emotional intelligence: Educational implications*. New York: Basic Books.
- Sample, J. (2007). *Emotional intelligence questionnaire: Managerial*. London: ASE, Chiswick Centre.
- Smith, M. K. (2008). *Howard Gardner and multiple intelligences. The encyclopedia of informal education*, November 20, 2008. Retrieved from <http://www.infed.org/thinkers/gardner.html>.
- Sparrow, T., & Knight, A. (2006). *Applied EI: The importance of attitudes in developing emotional intelligence*. England: Jossey-Bass.
- Thorndike, E. L. (1920). *Intelligence and its uses*. Harper's Magazine, 140, 227-235.
- Williams, M., & Burden, R. L. (1997). *Psychology for language teachers: A social constructivist approach*. United Kingdom: Cambridge University Press.
- Non- cognitive aspects of intelligence (n.d.), July 2008. Retrieved from [www.valuebasedmanagement.net/methods\\_goleman\\_emotional\\_intelligence.html](http://www.valuebasedmanagement.net/methods_goleman_emotional_intelligence.html).
- Rouhani, A. (2007). *EQ beyond IQ: Facts and fictions, literature, emotional intelligence*. Paper presented at the Fourth TELLSI Conference, Shiraz, Iran.
- Rouhani, A. (2008). *An investigation into emotional intelligence, foreign language anxiety and empathy through a cognitive-affective course in an EFL context*. Linguistik Online, 34(2), July 15, 2009. Retrieved from [http://www.linguistik-online.de/34\\_08/rouhani.html](http://www.linguistik-online.de/34_08/rouhani.html).
- Rosete, D., & Ciarrochi, J. (2005). *Emotional intelligence and its relationship to workplace performance outcomes of leadership effectiveness*. Journal of Leadership & Organization Development, 26(5), 388-399.
- Salovey, P. (2005). *Emotional intelligence. Paper presented at The Knowledge Forum*. Japan.